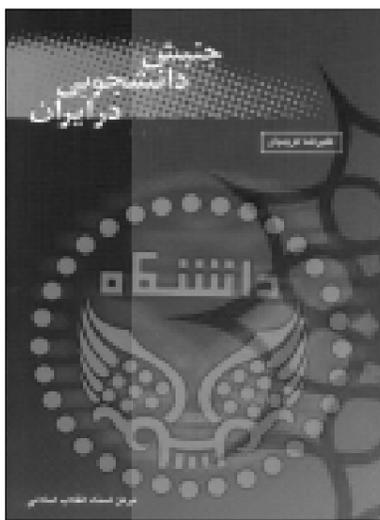


جنبش دانشجویی و تحولات ایران



○ علیرضا ملائی توانی
دکترای تاریخ

○ جنبش دانشجویی ایران
○ علیرضا کریمیان
○ مرکز اسناد انقلاب اسلامی
○ ۱۳۸۱

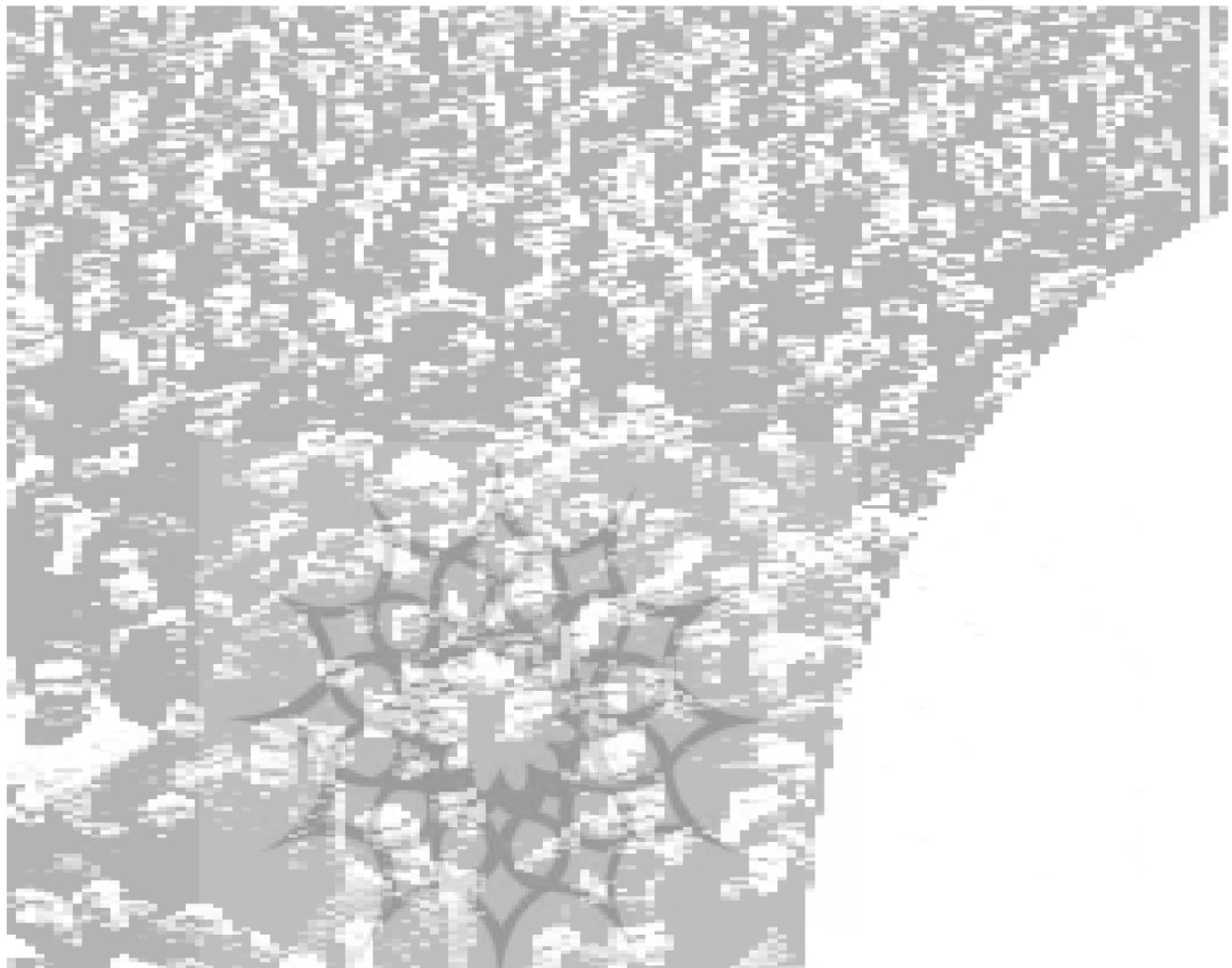
این جنبش‌ها، زمینه‌های پیدایی، راهبردها، کارکردها و توانایی‌های آن مورد ارزیابی قرار گرفته و حرکت‌های دانشجویی به مثابه یک جنبش اجتماعی مطالعه شده است. اگرچه کوتاهی دوران دانشجویی و سیال بودن نسل دانشجویان، این جنبش را آسیب‌پذیر و نیازمند یک ایدئولوژی منسجم، توانا و قدرتمند می‌سازد اما این جنبش با سازوکارهایی چون نقد و انتقاد آشکار در حوزه‌های گوناگون سیاسی به مثابه جریانی میانجی، نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاسی کردن حوزه عمومی جامعه و نیز بیان دیدگاه‌ها و انتقال خواسته‌ها در لایه‌های درون جامعه ایفا می‌کند و به همین دلیل کارکرد متفاوتی از سایر جنبش‌های اجتماعی ارائه می‌دهد.

بخش دوم به بررسی تاریخچه و سیر جنبش دانشجویی از بدو تأسیس دانشگاه تا سال ۱۳۴۱ پرداخته است. نگارنده در سه مقطع متفاوت تاریخی یعنی دوره‌ی رضا شاه؛ از شهریور ۱۳۲۰ تا فروپاشی نهضت ملی و نیز سال‌های پس از کودتا، ضمن ارزیابی بسترهای سیاسی - اجتماعی ایران، این حرکت را با توجه به تنوع گرایش‌های سیاسی و نیز تشکل‌های تابعه به بحث نهاده است. به اعتقاد نگارنده سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد دوران شکل‌گیری جنبش دانشجویی در ایران است زیرا مقطع پیش از آن به دلیل سیطره فزاینده استبداد و آغاز کار دانشگاه که در سطح محدودی به فعالیت پرداخت، فضا و فرصتی برای حرکت‌های

هدف از تألیف این کتاب بررسی چگونگی شکل‌گیری جنبش دانشجویی ایران در داخل و خارج از کشور و تبیین جایگاه آن در روند مبارزات سیاسی و میزان نقش‌آفرینی آن در پیروزی انقلاب اسلامی است. مؤلف می‌کوشد با توجه به فقر گسترده‌ی ادبیات پژوهشی این حوزه، جنبش دانشجویی ایران را به مفهوم وسیع کلمه و مستقل از گرایش‌های سیاسی با ارائه چهارچوبی نظری و بهره‌گیری از تئوری‌های جامعه‌شناختی، مورد مطالعه قرار دهد تا «تحلیلی نسبتاً جامع از جایگاه جنبش دانشجویی در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران» به دست دهد. در واقع سؤال اصلی و سؤالات فرعی نگارنده محترم نیز ناظر بر همین نقش، جایگاه و عملکرد است.

این کتاب پس از مقدمه و پیشگفتار در پنج بخش و چندین فصل سازماندهی شده است. بخش نخست به مباحث نظری با رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی اختصاص دارد. در این بخش نگارنده پیرامون علل گرایش دانشجویان به سیاست، تأثیر عواملی چون سن، جنس، موقعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده دانشجویان، نظام دانشگاهی، اوضاع عمومی جامعه و کارکردهای سیاسی اقتصادی و نظام فرهنگی جامعه سخن گفته است.

در ادامه، مفهوم جنبش‌های اجتماعی و تقسیم‌بندی‌های آن، ویژگی



سخن می‌گوید و روند تلاش‌های آن را تا بروز اختلاف و انشعاب و نیز رخنه‌ی ساواک که به فروپاشی آن منتهی گردید پی می‌گیرد. به دنبال آن به مطالعه انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا، آمریکا و کانادا و روند مبارزات‌شان به ویژه در پیوند با نهضت امام خمینی (ره) همت می‌گمارد. واپسین بخش کتاب با سیری در پیشینه‌ی مناسبات جنبش دانشجویی با ایدئولوژی‌ها و رهبران حرکت‌های سیاسی اعم از چپ مارکسیستی، ملی‌گرا و مذهبی، به بررسی پیوندها و تعاملات این حرکت با مشی مبارزاتی روحانیان مخالف و روشنفکران دینی می‌پردازد و از نقش‌آفرینی آنها در فرآیند انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) و همچنین نحوه پیوستن دانشجویان غیرمذهبی به این حرکت سخن گفته است.

این کتاب در مجموع به علت بیان تاریخچه‌ای منسجم؛ ارائه توصیفی نسبتاً مستند از جنبش دانشجویی ایران در سال‌های پیش از انقلاب؛ و گردآوری اطلاعات پراکنده‌ی آن در مجموعه‌ای مستقل؛ بیان واقع‌بینانه‌ی مطالب و پرهیز از ارزشداوری‌های غیرعلمی، اثری خواندنی و شایسته‌ی تحسین است. به همین دلیل از بیان دیگر محسنات آن خودداری ورزیده و به طرح چند نکته انتقادی بسنده می‌کنیم:

به رغم ادعای نگارنده در استفاده از روش‌های جامعه‌شناسانه و تحلیلی،

دانشجویی باقی نمی‌ماند و دوران پس از کودتا دوره‌ی رکود و تجربه است. زیرا دوره‌ای است که دانشجویان همراه با نهضت مقاومت ملی به مبارزات پنهانی روی آوردند و به تدریج پختگی و آمادگی لازم را جهت نقش‌آفرینی در جبهه ملی دوم و نیز رخدادها و ناآرامی‌های سیاسی - مذهبی سال‌های نخست دهه‌ی ۱۳۴۰ یافتند.

بخش سوم به بررسی تشکل‌های سیاسی دانشجویی و نیز پیوندها و تعاملات آن با احزاب و جریان‌های سیاسی سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ می‌پردازد.

در این فرآیند مؤلف با ارزیابی بسترها و زمینه‌های سیاسی - اقتصادی و مناسبات اجتماعی - فرهنگی و جایگاه ایران در صحنه‌ی بین‌المللی، به مطالعه چگونگی واکنش دانشجویان به این فضای متصلب پرداخته است و با پردازش اجمالی جریان‌های سیاسی فعال اعم از حزب توده، جبهه ملی، نهضت آزادی، جریان‌های هوادار مشی چریکی و قهرآمیز و نیز انجمن‌های اسلامی دانشجویان یاد شده مطرح نموده است.

بخش چهارم به جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور اختصاص دارد، نگارنده پس از شرح کلیاتی پیرامون چگونگی شکل‌گیری این حرکت ابتدا درباره‌ی کنفدراسیون جهانی محصلان و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، از عملکردها، کنگره‌ها، گرایش‌ها، عناصر متشکله، و تصمیمات آن



آنچه در عمل دیده می شود، غلبه ی روش توصیفی بر روش های دیگر است. اگرچه پژوهشگر محترم در آغاز کتاب با ارائه یک بحث نظری به صورتی تفصیلی و با اتکا بر رهیافت های جامعه شناسی کوشیده است از همان ابتدا همین الگو را پیش گیرد، اما به سرعت در مسیر توصیفات تاریخی - که گاه رگه های کم رنگی از تحلیل در آن به چشم می خورد - فروغلطیده است. اگرچه اتکا بر توصیف فی نفسه نشانه ی ضعف نیست و خود از مظاهر بارز مطالعات تاریخی است اما در اینجا از آنچه نگارنده محترم وعده کرده، آشکارا فاصله گرفته است. درست به همین دلیل، نوعی دوگانگی در کتاب رخ نموده است: به این مفهوم که محقق محترم نتوانسته است به نحوی شایسته، ارتباطی استوار و منطقی میان مباحث نظری و مباحث تاریخی (آنچه به

دانشجویی و جامعه شناسی رهبران و همچنین بیان واقعی آرمان های اجتماعی سیاسی دانشجویان و شیوه های تحقق آن بازمانده است. در حقیقت منابع مورد استفاده، محقق را در مسیر داده های خود سوق داده اند. در نتیجه نتوانسته است به تحلیل های جدیدتر یا نوآوری علمی دست یابد، بلکه صرفاً به جمع بندی و گردآوری اطلاعات موجود اکتفا نموده است. این مشکل تا حد زیادی از قلت منابع سرچشمه می گیرد که البته بخشی از آن گریزناپذیر است اما بخش های دیگر را با مراجعه ی گسترده تر به آثار موجود به ویژه اسناد و آرشیو مؤسسات و نهادهای ذیربط از جمله وزارت علوم و یا توسل به کار میدانی و مصاحبه با شخصیت های مؤثر چه در حوزه داخل و چه در حوزه های خارج می توان به درستی پوشش داد.

به نظر می رسد اگر مسائلی چون الف) ویژگی ها و مشخصه های جنبش دانشجویی در ایران؛ وجوه تفاوت و تمایز آن با حرکت های مشابه در نقاط دیگر جهان و حتی مقایسه ای تحلیلی میان بخش درون مرزی و فرامرزی حرکت دانشجویی در ایران مدنظر قرار می گرفت. ب) کاستی ها و موانع رشد این جنبش به همراه میزان تأثیرگذاری، دلایل کامیابی و ناکامی آن بازگو می گردید. ج) با استفاده از شاخصه ها و معیارهای مطالعات اجتماعی - سیاسی جنبش ها (جامعه شناسی سیاسی) مقاطع گوناگون این جنبش به صورت مصداقی مورد مطالعه قرار می گرفت. ه) منابع مالی، تشکیلات و نشریات آنها تحلیل می گردید. و) شیوه برخورد مسئولان دانشگاه و مقامات وزارت علوم با این جنبش و مسائلی مانند آن به بحث گذاشته می شد زوایای بیشتری از این حرکت ها به روشنی تاریخ پیوند می خورد. امید است که در چاپ های بعدی این مسائل مدنظر قرار بگیرد.

جنبش دانشجویی در ایران مربوط می گردد) برقرار سازد. از همین رو اگر مباحث نظری به کمتر از یک سوم کاهش می یافت و این مباحث صرفاً بر بنیاد جنبش دانشجویی در ایران و براساس یک الگوی خاص ارائه می گردید محقق در تبیین موضوع موفق تر بود. در شکل فعلی به نظر می رسد حذف مقدمات تئوریک سیمایی منسجم و یک دست تری از کتاب ارائه می دهد. به عنوان نمونه در بحث نظری با استفاده از رهیافت های جامعه شناسی بر مسائلی چون، سن، جنسیت، خاستگاه خانوادگی، اوضاع اجتماعی - سیاسی و نظام فرهنگی جامعه به عنوان عوامل گرایش به سیاست در میان دانشجویان سخن رفته است. اما در بخش های تاریخی که به موضوع جنبش دانشجویی در ایران می پردازد هیچ ردپایی از این مباحثات و تأثیر عوامل یاد شده بر سیاسی شدن دانشجویان ایرانی در دهه های مختلف به چشم نمی خورد. گذشته از این در مباحث مقدماتی، حرکت دانشجویی به مثابه یک جنبش اجتماعی با کارکردهای ویژه و شاخصه ها و مؤلفه هایی چون: نقد روشنگری؛ آرمانخواهی؛ سیاسی کردن حوزه عمومی جامعه؛ رابطه و میانجی بودن؛ بیان قاطع، خشن و پرخاشگرانه ی مشکلات جامعه با استراتژی ها، تاکتیک ها، توانایی ها و کارکردهای خاص اشاره شده است اما در مباحث مربوط به ایران به جای تبیین شاخصه های یاد شده بیشتر بر گرایش های سیاسی دانشجویان، تشکل های دانشجویی در داخل و خارج از کشور در پیوند با فضای سیاسی پرداخته و مقدمات تئوریک پیش گفته به دست فراموشی سپرده شده است.

تردیدی نیست که این تضاد و دوگانگی در روش به صورت چشمگیرترین نقیصه بر سراسر کتاب سایه افکنده است. به همین دلیل نگارنده محترم از تبیین خاستگاه طبقاتی و پایگاه اجتماعی جنبش